



## فرا تحلیل مولفه‌های مورد استفاده برای سنجش توانمندی شغلی زنان روستایی

مریم زیارتی<sup>۱\*</sup>، جعفر یعقوبی<sup>۲</sup> و علی شمس<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، <sup>۲</sup>دانشیار دانشگاه زنجان، <sup>۳</sup>آستادیار دانشگاه زنجان

### چکیده

زنان روستایی با دارا بودن نیمی از جمعیت ساکن روستا و تشکیل یک‌سوم از نیروی کار روستایی از گروه‌های اجتماعی تاثیرگذار در زندگی روستایی به شمار می‌روند. یکی از مسائل مورد توجه در مورد زنان روستایی، سنجش توانمندی شغلی و برنامه ریزی برای توانمندسازی آنها می باشد. در زمینه توانمندی زنان روستایی مطالعات متعددی در کشور صورت گرفته است ولی مسأله‌ای که وجود دارد این است نتایج این مطالعات بصورت کلی مورد بررسی قرار نگرفته و جمع بندی از مطالعات صورت گرفته در این زمینه انجام نشده است. لذا مطالعه فوق با هدف جمع‌بندی این مطالعات و اولویت‌بندی مولفه‌های مورد استفاده برای سنجش توانمندی زنان روستایی صورت گرفته است. در این مطالعه از روش فراتحلیل استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را مقالات پژوهشی داخلی منتشر شده طی ده سال اخیر تشکیل دادند. نتایج فراتحلیل نشان داد در مجموع ۵۹ مولفه برای سنجش توانمندی استفاده شده اند. همچنین مشخص شد مولفه‌های کسب یا افزایش درآمد ( $f=14$ )، احساس استقلال ( $f=13$ )، احساس شایستگی ( $f=11$ )، قدرت پس-انداز کردن ( $f=10$ )، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مذهبی ( $f=10$ ) و مشارکت در تصمیم‌گیری ( $f=10$ ) بر حسب فراوانی، مهمترین مولفه‌های مورد استفاده برای سنجش توانمندی زنان روستایی را تشکیل داده اند.

واژه های کلیدی: زنان روستایی، توانمندسازی، اشتغال، توسعه

### مقدمه

روستا به عنوان یک محیط تولیدی همواره در اقتصاد نقش مهمی را ایفا می‌کند (میرترابی و همکاران، ۱۳۹۱). و زنان روستایی با دارا بودن نیمی از جمعیت ساکن روستا و تشکیل یک‌سوم از نیروی کار روستایی از گروه‌های اجتماعی تاثیرگذار در زندگی روستایی به شمار می‌روند (سواری و همکاران، ۱۳۹۲). زنان روستایی در اقتصاد خانواده نقش مهمی بر عهده دارند. آنان علاوه بر کارهای مربوط به منزل در بسیاری از امور مربوط به واحد بهره‌برداری نیز مشارکت دارند. مطالعات نشان می‌دهد که در صورت مهاجرت رئیس خانواده، در طول غیبت او از ده، وظایف تولیدی رئیس خانواده به جزء کارهایی که نیاز به تخصص دارند نظیر شخم‌زنی و پذیراشی، از زمره وظایف زنان به شمار می‌رود (آل‌آقا، ۱۳۸۴). آنان همچنین در امور مختلف جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید، اقتصاد در سطوح خانواده و ملی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند به طوری که می‌توان از آنها به عنوان کلید دستیابی به امنیت غذایی نام برد (میرترابی و همکاران، ۱۳۹۱). آنان عهده‌دار انواع فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، کسب درآمدهای اندک و اشتغال در مشاغل با دست‌مزدهای ناچیز هستند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). اما زنان روستایی با وجود داشتن نیمی از جمعیت روستایی و ایفای نقش همسر، مادر، مدیر اقتصاد خانواده کشاورز، و در مواردی سرپرست خانوار در برنامه‌ریزی‌های توسعه و تخصیص منابع موقعیت مناسبی ندارند و در بسیاری موارد نادیده انگاشته می‌شوند (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۴). واقعیت این است که توانایی زنان به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده است و از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن بهتر



زندگی خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). چنانچه به استعدادهای بالقوه این پتانسیل قوی که انواع مختلف کارها را چه به صورت رسمی و چه غیررسمی انجام می‌دهند، توجه شود، می‌تواند به یکی از بزرگترین منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شود. همچنین در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیش‌تر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیش‌تر خواهد بود (علیزاده، ۱۳۹۰).

برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری، رفاه و توانمندسازی مطرح شده است ولی نظریه توانمندسازی به دلیل تاکید بر مشارکت زنان و توسعه از پایین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (بودرجمهری، ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر این درک به وجود آمده است که اهداف توسعه نمی‌تواند تحقق یابد مگر این‌که نابرابری‌های جنسیتی حذف شده و زنان را توانمند کنیم که در مورد رفاه خود، خانواده‌های خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تصمیم بگیرند (yesudian, gupta & 2006).

دیدگاه‌ها و رویکردهای جدیدتر به فقر، نظیر دیدگاه‌های قابلیت، توانمندسازی و طرد اجتماعی، زنان را صرفاً به لحاظ درآمدی فقیر نمی‌بیند، بلکه به ابعاد وسیع‌تر از زندگی زنان مانند توانمندی زنان برای حق انتخاب و کنترل بر زندگی، برابری فرصت‌ها، مشارکت در بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی و دریافت حمایت از شبکه‌های اجتماعی توجه می‌کنند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹). توانمندسازی زنان از حدود ۲۵ سال پیش در کشورهای مختلف مطرح شد و طی آن سازمان‌ها، جنبش‌ها، شبکه‌ها و اتحادیه‌های زنان در سراسر جهان به وجود آمد و دیدگاه‌های سیاست‌گذاران به این سمت متمایل شد (خلوتی، ۱۳۸۸). توانمندسازی، متخصص گروه‌های آسیب‌پذیر از جامعه است که دچار طرد اجتماعی‌اند یعنی به روش‌های مختلف از مشارکت کامل در جامعه‌ی بزرگتر محروم شده‌اند (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷). توانمندسازی به معنای برتری فردی به فرد دیگر یا جنسیتی به جنسیت دیگر نیست (صیادبیدهندی و همکاران، ۱۳۹۱). توانمندسازی یک فرآیند محسوب می‌شود یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت (نا برابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی) می‌باشد (غیاثوند و عماری، ۱۳۹۱). توانمندسازی زنان به معنای مقابله با وضعیت بی- قدرتی زنان است. توانمندسازی زنان به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر شده و در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه موثر واقع می‌شود (رضایی، ۱۳۸۸).

توانمندسازی زنان به عنوان یک هدف سیاسی است که به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه است (Ashraf, 2010). توانمندسازی زنان به این معنی است که آنها بر شرم بی مورد خود فایز آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد و قدرت رویارویی با دشواری‌ها و سختی‌ها را داشته باشند و قادر به ارزیابی صحیح و شناخت دقیق باشند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود جهت نیل به هدف‌های خویش بهره‌مند گردند و با افزایش توانمندی خویش در ابعاد مختلف به اهداف مورد نظر برسند (حسینیان، ۱۳۸۸). همچنین می‌توان توانمندی زنان را به صورت فرآیندی که طی آن زنان قادر می‌شوند اتکالی به نفس خود را افزایش دهند، حق مستقل برای انتخاب کسب کنند، خود را سازماندهی کنند و منابعی را کنترل کنند توصیف نمود. این مجموعه به آنها برای کاهش فقر، حذف فرودستی و تحولات نهادی کمک خواهد کرد (شبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۸).

توانمندسازی زنان پیش شرط ضروری برای از بین بردن فقر در جهان و حمایت از حقوق بشر است (parveen & leonhauser, 2004) اگر توانمندسازی و آزادی برای زنان فراهم شود اشتغال برای آنها یک فرصت برای بهبود رفاه و بالا بردن توانایی‌های آنهاست (srivastava & srivastava, 2009).

در زمینه سنجش توانمندی زنان مطالعات متعددی صورت گرفته است که در ذیل به چند نمونه از آنها اشاره شده است.

در مطالعه بررسی تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی، توانمندسازی زنان روستایی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی سنجیده شد، متغیرهای سنجش توانمندی اقتصادی شامل کسب یا فزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس‌انداز کردن، متغیرهای سنجش توانمندسازی روانی شامل خوداثربخشی، استقلال فکری، احساس قدرت،



متغیرهای سنجش توانمندی سیاسی شامل شرکت در انتخابات و شرکت در راهپیمایی و متغیرهای سنجش توانمندی اجتماعی شامل شرکت در مجالس مذهبی، شرکت در فعالیتهای خیریه، همکاری با همسایگان و انجام فعالیتهای گروهی بودند (آیت و اعظمیان، ۱۳۹۰).

موسوی و مرتضی‌نیا (۱۳۸۸) در پژوهش نقش گروه‌های همیار بر توانمندی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، توانمندی اقتصادی زنان را با شاخص‌های درآمد، شغل، قدرت بازپرداخت وام، قدرت پس‌انداز، قدرت تامین نیازهای اساسی سنجیدند. در پژوهش بررسی شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، شاخص‌های توانمندی زنان سرپرست خانوار در چهار بعد روانی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت مولفه‌های توانمندی اقتصادی شامل کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس‌انداز کردن، توانمندی روانی با مولفه‌های افزایش عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و افزایش خود اثربخشی و توانمندی اجتماعی با مولفه‌های شرکت در فعالیتهای اجتماعی، شرکت در مجالس مذهبی، همکاری با همسایگان و انجام فعالیتهای گروهی در محل، داشتن مشاغل همانند مردان و عدم محدودیت نقش زنان در کار درون خانه مورد بررسی قرار گرفت (رضایی قادی، ۱۳۸۸).

فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه بررسی تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی، توانمندسازی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی مورد بررسی قرار دادند مولفه‌های سنجش توانمندی اقتصادی شامل کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس‌انداز کردن، مولفه‌های سنجش توانمندی روانی شامل عزت نفس، خود اثربخشی، استقلال فکری، احساس قدرت و مولفه‌های سنجش توانمندی سیاسی شامل شرکت در انتخابات و شرکت در راهپیمایی و مولفه‌های سنجش توانمندی اجتماعی شامل شرکت در مجالس مذهبی، شرکت در فعالیتهای خیریه، همکاری با همسایگان و انجام فعالیتهای گروهی بودند.

در مطالعه تاثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانو) بر توانمندسازی زنان مولفه‌های احساس نشاط و سرزندگی، احساس استقلال فردی، وضعیت سلامت جسمانی، احساس امنیت و آرامش روح، احساس موثر و مفید بودن، یادگیری یک شغل و حرفه، احساس مسئولیت نسبت به امور جامعه، مشارکت در فعالیت جمعی، شرکت در امور خیریه، کسب درآمد برای خود و خانواده، احساس مسئولیت نسبت به امور خانه و خانواده و یادگیری برخی از مهارت‌های زندگی به عنوان مولفه‌های سنجش توانمندی زنان در نظر گرفته شدند (غیاثوند و عماری، ۱۳۹۱).

شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ی مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها توانمندی اقتصادی زنان با متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس‌انداز کردن، توانمندی روانی زنان با معرف‌های چون افزایش عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و افزایش خود اثربخشی، توانمندی سیاسی زنان با متغیرهای افزایش مشارکت سیاسی و توانمندی اجتماعی زنان با متغیرهای تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی مورد سنجش و بررسی قرار دادند.

در فرآیند توانمندی مسأله‌ای که بسیار مهم و قابل تأمل است، سنجش توانمندی زنان است. در زمینه توانمندی زنان روستایی مطالعات متعددی در کشور صورت گرفته است مسأله‌ای که وجود دارد این است نتایج این مطالعات بصورت کلی مورد بررسی قرار نگرفته است. به عبارت دیگر جمع بندی از مطالعات صورت گرفته در این زمینه انجام نشده است. هدف اصلی این مطالعه، جمع-بندی مطالعات مربوط به سنجش توانمندی زنان روستایی در ایران و اولویت بندی سنجش توانمندی می‌باشد.

## روش‌شناسی پژوهش

فرا تحلیل، نوعی پژوهش درباره پژوهش‌های دیگر است. فراتحلیل را می‌توان مطالعه و بررسی نظام مند پژوهش‌های گذشته دانست. تفاوت این نوع پژوهش با پژوهش‌های دیگر در این است که جامعه آماری در این گونه پژوهش‌ها، پژوهش‌های قبلی است و واحد پژوهش آن، هر یک از پژوهش‌های اولیه و مستقل پیشین است (محمدی و زاهدی، ۱۳۸۴). جامعه آماری تحقیق در کل



۵۰ مقاله از بانک‌های اطلاعاتی موجود در داخل کشور با کلیدواژه توانمندسازی بود. در مرحله اول ۲۱ مقاله که به صورت کتابخانه‌ای و غیر مرتبط بودند از مجموع مقالات حذف شدند و در نهایت تعداد ۲۹ مقاله مرتبط و میدانی در مورد مولفه‌های سنجش توانمندی زنان استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. سپس عوامل با توجه به تعداد فراوانی طبقه‌بندی شدند.

### نتایج

مولفه‌های مربوط به سنجش توانمندی زنان اشاره شده در مقالات مورد بررسی استخراج گردید. عوامل استخراج شده بر حسب فراوانی مطالعاتی که به آن‌ها اشاره نموده بودند اولویت بندی شد. نتایج در جدول ۱ آمده است.



جدول یک: متغیرهای استخراج شده در خصوص سنجش توانمندی بر حسب فراوانی

مؤلفه	فراوانی	محققان و سال
کسب یا افزایش درآمد	۱۴	نیک نامی و همکاران ۱۳۹۱؛ آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ موسوی و مرتضی‌نیا ۱۳۸۸؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ فال سلیمان و همکاران ۱۳۹۱؛ غیاثوند و عماری ۱۳۹۱؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ سعدی و همکاران ۱۳۹۱؛ علاءالدین و جلالی موسوی ۱۳۸۹؛ شکوری ۱۳۸۷.
احساس استقلال (احساس داشتن حق انتخاب-احساس خود سامانی-احساس خود مختاری- استقلال فکری- استقلال فردی- استقلال مالی)	۱۲	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ شکوری ۱۳۸۷؛ غیاثوند و عماری ۱۳۹۱؛ فال سلیمان و همکاران ۱۳۹۱؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ قلی‌پور و همکاران ۱۳۸۷؛ مردشی و کاظمی ۱۳۹۲؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱.
احساس شایستگی (احساس خود اثربخشی)	۱۱	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ شکوری ۱۳۸۷؛ چرمچیان لنگرودی و علی-بیگی ۱۳۹۲؛ مردشی و کاظمی ۱۳۹۲؛ قلی‌پور و همکاران ۱۳۸۷؛ پیشگاهی فرد و همکاران ۱۳۸۸؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱.
قدرت پس انداز کردن	۱۰	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ موسوی و مرتضی‌نیا ۱۳۸۸؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ رحمانی و همکاران ۱۳۸۷؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ علاءالدین و جلالی موسوی ۱۳۸۹؛ شکوری ۱۳۸۷.
شرکت در فعالیت‌های اجتماعی-مذهبی (انجام کار به صورت گروهی)	۱۰	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ فال سلیمان و همکاران ۱۳۹۱؛ غیاثوند و عماری ۱۳۹۱؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱؛ باباپور ۱۳۹۱؛ شادی طلب و همکاران ۱۳۸۴.
مشارکت در تصمیم‌گیری - قدرت تصمیم‌گیری	۹	صیادبیدهندی و همکاران ۱۳۹۱؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ رحمانی و همکاران ۱۳۸۷؛ علاءالدین و جلالی موسوی ۱۳۸۹؛ فال سلیمان و همکاران ۱۳۹۱؛ مردشی و کاظمی ۱۳۹۲؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱؛ باباپور ۱۳۹۱.
مشارکت (در امور اجتماعی-در فعالیت‌های اجتماعی-تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در فعالیت‌های جمعی-در امور جامعه- رفتار مشارکتی)	۸	شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ شکوری ۱۳۸۷؛ غیاثوند و عماری ۱۳۹۱؛ سعدی و همکاران ۱۳۹۱؛ پیشگاهی فرد و همکاران ۱۳۸۸؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ شادی طلب و همکاران ۱۳۸۴.
توانایی بازپرداخت وام	۸	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ موسوی و مرتضی‌نیا ۱۳۸۸؛ رضایی قادی ۱۳۸۸؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ شکوری ۱۳۸۷.
شرکت در فعالیت سیاسی (شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی-انتخابات محلی-مشارکت سیاسی)	۸	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ زرافشان و همکاران ۱۳۹۱؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ پیشگاهی فرد و همکاران ۱۳۸۸؛ شادی طلب و همکاران ۱۳۸۴.
افزایش عزت نفس	۷	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ رضایی قادی ۱۳۸۸؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ افکاری ۱۳۹۲؛ شکوری ۱۳۸۷.
افزایش میزان کنترل (کنترل بر زندگی - خود کنترلی - توانایی کنترل و اعمال قدرت - کنترل بر منابع)	۷	صیادبیدهندی و همکاران ۱۳۹۱؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱؛ شادی طلب و همکاران ۱۳۸۴.
احساس قدرت	۶	آیت و اعظمیان ۱۳۹۰؛ رضایی قادی ۱۳۸۹؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۸۸؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ فرجی سبکیار و همکاران ۱۳۹۱؛ شکوری ۱۳۸۷.
دارا بودن شغل (ثبات شغلی-ادامه اشتغال - پایداری فعالیت‌های اقتصادی - تنوع شغلی)	۶	موسوی و مرتضی‌نیا ۱۳۸۸؛ زمانی میاندشتی و همکاران ۱۳۹۱؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ شریفی و همکاران ۱۳۸۸؛ کیمیایی ۱۳۹۰؛ شادی طلب و همکاران ۱۳۸۴.



با جمع بندی متغیرهای مورد استفاده برای سنجش توانمندی در مجموع ۵۹ مولفه استخراج شد. همانطور که جدول ۱ نشان می دهد مهمترین مولفه های مورد استفاده برای سنجش توانمندی به ترتیب اهمیت (فراوانی در مطالعات پیشین) عبارتند از: کسب یا افزایش درآمد، احساس استقلال، احساس شایستگی، قدرت پس انداز کردن، شرکت در فعالیتهای اجتماعی مذهبی. برای رعایت اختصار در این جدول فقط مولفه های با فراوانی بالای ۵ آورده شده است. بقیه متغیرها به ترتیب فراوانی عبارتند از: احساس تاثیر (احساس موثر و مفید بودن - احساس پذیرفتن نتایج شخصی)، تعامل و ارتباط اجتماعی (برقراری روابط اجتماعی - برقراری ارتباط - جمع گرایی - روابط میان فردی - برقراری روابط حسنه - مهارت های ارتباطی)، میزان آگاهی (آگاهی اجتماعی - افزایش آگاهی سیاسی - اجتماعی)، نگرش افراد (نگرش به نقش زنان) و دارا بودن اعتماد به نفس با فراوانی پنج، اعتماد داشتن به دیگران (به افراد)، تعهد و احساس مسئولیت (نسبت به امور جامعه به امور خانه و خانواده، پذیرفتن مسئولیت، افزایش مسئولیت پذیری - تعهد به کار)، مهارت خلاقیت و حل مسئله (توان حل مسئله) با فراوانی چهار. احساس معنی داری (احساس معنادار بودن - با ارزش مند بودن)، دسترسی به تسهیلات بانکی، وضعیت رفاه با فراوانی سه. احساس خودکارآمدی، قدرت تامین نیازهای اساسی، شناخت حق و حقوق فردی خود، نوپذیری سهم در دارایی های خانواده (افزایش دارایی های شخصی - میزان مالکیت دارایی) با فراوانی دو. مهارت های کارآفرینی (توانایی کار آفرینی)، یادگیری (یک شغل و حرفه، برخی از مهارت های زندگی - افزایش یادگیری)، منصف بودن (افزایش رفتار منصفانه)، میزان منزلت (افزایش ارج و احترام)، میزان دسترسی (به منابع اطلاعاتی و امکانات آموزشی)، ارتقا سطح زندگی، باز توانی اقتصادی، میزان دسترسی به نهاده ها و منابع مورد نیاز، احساس نیاز به ادامه حمایت سازمانی، احساس نشاط و سرزندگی، احساس امنیت و آرامش روح، بهبود سلامت جسمانی، شرکت در جلسات ماهیانه صندوق اعتبارات خرد، ارتقا صلاحیت حرفه ای، تغییر رفتار، بهبود در عناصر، میزان تولیدات زنان، تقدیر گرایی، گرایش به تقلید گرایی، میزان قدردانی، میزان ارتباطات، روحیه، روشن بودن اهداف، محیط سالم، رشد حرفه ای (پیشرفت حرفه ای)، بهبود عملکرد (شغلی)، شناخت و دانش تخصصی، افزایش سازگاری (توانایی سازگاری در جامعه)، آزادی در رفت و آمد (آزادی تحرک)، داشتن مهارت فنی و عملی با فراوانی یک

## نتیجه گیری و بحث

همانطور که در جداول فراوانی دیده شد سه مولفه کسب یا افزایش درآمد، احساس استقلال و احساس شایستگی بیشترین فراوانی را دارد گرچه در برخی از مطالعات هر سه این مولفه ها در کنار هم مورد سنجش قرار نگرفته است. ( $f=9$ ) اما با بررسی نتایج مطالعات پی ریزی شده بر اساس این مولفه ها در می یابیم که گرچه کسب یا افزایش درآمد بیشتر با هدف تامین نیازهای اساسی یا ارتقاء سطح زندگی افراد صورت می گیرد اما بطور مستقیم یا غیر مستقیم تاثیر معنی داری در احساس شایستگی افراد داشته و نقشی محوری در احساس استقلال ایفا می نماید و ارتباطی معنی دار و بسیار نزدیک بین این سه مولفه برقرار است به گونه ای که می توان گفت افراد با دست یابی به کسب یا افزایش درآمد، احساس شایستگی بیشتری دارند و امکان مستقل بودن برایشان محتمل تر است و برعکس افرادی که احساس شایستگی می کنند میل بیشتری به استقلال و همچنین ارتقاء سطح زندگی از طریق کسب یا افزایش درآمد دارند که این مطلب موازی بودن این سه مولفه سنجش را نشان می دهد اما از طرفی نمی توان در بررسی سنجش توانمندی هیچکدام از مولفه های سنجش نام برده را نادیده یا حذف کرد چرا که تعدد عوامل موثر بر هر کدام از این مولفه ها بیان گر استقلال این مولفه از هم بوده که بیان گر آن است در مطالعات مربوط به سنجش توانمندی می بایست هر سه مولفه مورد بررسی قرار گیرد به عبارت دیگر احساس شایستگی تنها ناشی از کسب یا افزایش درآمد حاصل نمی گردد و یا تنها شرط لازم برای استقلال فقط کسب یا افزایش درآمد نیست و همچنین در تمام موارد کسب یا افزایش درآمد منجر به احساس شایستگی یا استقلال نمی شود. لذا پیشنهاد می گردد که در تمام مطالعات که توانمندی مورد سنجش قرار می گیرد هر سه مولفه احساس استقلال، کسب یا افزایش درآمد و احساس شایستگی مورد سنجش قرار گیرد تا بتوان قضاوت صحیح تری در مورد جامعه هدف داشت.



در خصوص کسب یا افزایش درآمد پیشنهاد می شود وام های خود اشتغالی با بهره کم به زنان سرپرست خانوار روستایی اعطا شود تا بتوانند شغلی را برای خود راه اندازی و کسب درآمد نمایند. احساس استقلال به معنای این است که افراد بتوانند مستقلاً تصمیم گیری کنند. به همین دلیل پیشنهاد می شود به زنانی که در یک فعالیت و شغلی مشغول به فعالیت هستند آزادی عمل و استقلال به او داده شود این عمل باعث می شود توانایی آنان برای خلاقیت در محیط کار و افزایش موفقیت آن ها افزایش یابد. احساس شایستگی، اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارها با مهارت بالا است. به همین دلیل پیشنهاد می شود با برگزاری کلاس های آموزشی توانمندسازی این احساس را در افراد به وجود بیاوریم که از قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت آمیز یک کار بهره مندند همچنین تجارب و دانش خود را ارزشمند بدانند و تلاش کنند آن را برای بهبود عملکرد خود به کار گیرند.

## منابع

۱. آل آقا، فریده (۱۳۸۴). شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت های متناسب با آن. فصلنامه پژوهش زنان، ۱، ۳، ۱۶۹-۱۴۷.
۲. آیت، سیدسعید و اعظمیان، الهه (۱۳۹۰). تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۴، ۳، ۱۶۴-۱۵۱.
۳. بوذرجمهری، خدیجه؛ شایان، حمید و صادقی، فخری (۱۳۸۹). تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت های کشاورزی. نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. ۱، ۱، ۸۶-۶۹.
۴. حسینیان، سیمین (۱۳۸۸). نقش سازمان های غیر دولتی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران. دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایی زنان سرپرست خانوار. ۱۲۸-۱۱۳.
۵. خلوتی ملیحه (۱۳۸۸). بررسی میزان توانمندی زنان خانه دار و عوامل موثر بر آن در شهر شیراز. فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال ۲، شماره ۴.
۶. رحمانی، مریم؛ زندرضوی، سیامک و ادیبی، مهدی (۱۳۸۷). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان مطالعه موردی روستای پشت-رود بم. ۳، ۶، ۱۳۲-۱۰۵.
۷. رضایی قادی، خدیجه (۱۳۸۸). شاخص های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دومین همایش توانمندی زنان و توان-افزایی زنان سرپرست خانوار. ۱۹۹-۱۷۹.
۸. زاهدی، شمس السادات و محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۴). فراتحلیل راهی به سوی شناسایی، ارزشیابی، ترکیب و تلخیص پژوهش های گذشته، فصلنامه مدیریت، شماره ۴۷، صص ۷۱-۵۱.
۹. سواری، مسلم؛ شیرینی، نعمت اله و اسدی، علی (۱۳۹۲). نقش منابع و کانال ارتباطی و اطلاعاتی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان دیواندره. فصلنامه پژوهش های روستایی، ۴، ۲، ۳۸۴-۳۶۵.
۱۰. شادی طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴، ۱۷، ۲۴۷-۲۲۷.
۱۱. شبانعلی فمی، حسین؛ قاسمی، جواد؛ چوپچیان، شهلا و فیض الله زاده، سولماز (۱۳۸۸). امرار معاش پایدار، رویکردی نوین در فقر زدایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دومین همایش توانمندی زنان و توان افزایی زنان سرپرست خانوار. ۳۶۵-۳۴۱.
۱۲. شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مولفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن. فصلنامه پژوهش زنان، ۱، ۵.



۱۳. صیادبیدهندی، لیلا؛ اسکندری نوده، محمد و خانی، فضیله (۱۳۹۱). بررسی قابلیت‌های فناوری های اطلاعات و ارتباطات در توانمند سازی زنان روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۳، ۴، ۱۴۶-۱۱۹.
۱۴. عزیزاده، مرجان (۱۳۹۰). نقش اشتغال زنان در توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. ۲، ۵، ۴۵-۵۹.
۱۵. غیاثوند، احمد و عمار، حسن (۱۳۹۱). ارزیابی تاثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانو) بر توانمندسازی زنان در شهر تهران. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۱۲.
۱۶. فرجی سبکبار، حسن‌علی؛ خاکی، افشین و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۸). ارزیابی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: روستای قرن‌آباد. نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران. ۷، ۲۲، دوره جدید.
۱۷. فیروزآبادی، سیداحمد و صادقی، علی‌رضا (۱۳۸۹). مطالعه‌ی ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۲، ۸، ۱۱۴-۹۳.
۱۸. کلاتتری، خلیل؛ شبانعلی فمی، حسین و سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). مجله توسعه روستایی. ۲، ۱.
۱۹. میرترابی، مهدیه‌السادات؛ حجازی، یوسف و حسینی، سید محمود (۱۳۹۱). بررسی تاثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی. ۱۰، ۱، ۱۶۷-۱۴۹.
20. Ashraf, Nava., Karlan, Dean. and Yin, Wesley. (2010). Female empowerment: impact of a commitment savings product in the philippines. *World Development*, 38, 333-344.
21. Gupta, Kamal. and Yesudian, P. Princy. (2006). Evidence of women's empowerment in India: a study of socio-spatial disparities. *GeoJournal*. 65, 365-380.
22. Parveen, Shahnaj. and Leonhäuser -Ute, Ingrid (۲۰۰۴). Empowerment of rural women in bangladesh: a household Leve analysis. *Conference on Rural Poverty Reduction through Research for Development and Transformation*, 5-7.
23. Srivastava, Nisha. And srivastava, Ravi. (2009). Women, work, and employment outcomes in rural India.





## Meta-analysis of the components used to measure rural women's empowerment

Maryam Ziyarati<sup>\*1</sup>, Jafar Yaghoubi<sup>2</sup>, Ali Shams<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Graduate student, University of Zanjan, Iran, <sup>2</sup> Associate professor, University of Zanjan, Iran, <sup>3</sup> Assistance professor, University of Zanjan, Iran

### Abstract

Rural women with having half of the population of the village and made up a third of rural labor force, are formed one of most influential social groups in village life. Rural women power assessment and planning to empower them is one of the important concerns of rural women. In the process of empowerment of rural women, measure of women's empowerment is a major issue. Several studies have been conducted regard empowerment of rural women in the country. However the problem there is that the results of these studies generally have not been summarized and prioritized. So, this study aims to summarize and prioritize the components used to assess rural women's empowerment. Meta-analysis used in this study. The present research papers published over the last ten years formed the population of this study. The results of the meta-analysis showed that a total of 59 components were used to measure empowerment. Results also showed that components including income (f=14), sense of independence (f=13), sense of competence (f=11), saving (f=10), participation in religious and social activities (f=10), and participation in decision-making (f=10), according to frequency, have formed the most important components used to measure empowerment of rural women.

**Key Words:** Rural women, empowerment, employment, development